

## پسران شیطان پس از آشنایی در فضای اینستاگرام طعمه‌ها را به دام می‌انداختند

**گروه حوادث - ۲** پسر پس از بیهوش کردن زن و دختر آنها را آزار دادند.

نخستین جلسه تحقیق از دو پسر شیطان صفت که پس از به دام انداختن زن و دختر آنها را با خوراندن آمیوه مسموم بیهوش کرده و آزار داده بودند در دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد.

پسران شیطان پس از آشنایی در فضای اینستاگرام طعمه‌ها را در نخستین ملاقات شوم به دام می‌انداختند. رسیدگی به این پرونده از تابستان امسال به دنبال شکایت دختر جوانی به نام رونیکا آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی رفته بود از دو پسر شیطان صفت شکایت کرد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من در یک کلینیک تخصصی پوست کار می‌کنم. مدتی قبل پسر جوانی به نام امیر در فضای مجازی برایم پیام ارسال کرد و درباره کارم از من سوال پرسید. پس از مدتی به من ابراز علاقه کرد و خواست تا با من قرار ملاقات بگذارد. او می‌گفت قصد ازدواج دارد.

دختر جوان ادامه داد: من با امیر قرار ملاقات گذاشتم و در غرب تهران سوار پژو ۲۰۶ او شدم. پس از طی مسافتی او از ماشین پیاده شد تا آمیوه بخورد. او پس از چند دقیقه با دیوان آمیوه بیهوش گشت. به محض اینکه آمیوه را خوردم سرم گیج رفت و بیهوش شدم. وقتی به هوش اوادم که متوجه شدم امیر و پسر دیگری در حال آزار و اذیت

من هستند. آنها به زور رمز کارت عابر بانکم را از من گرفتند و مرا از ماشین پیاده کردند. من سه روز گیج بودم و وقتی حالم بهتر شد گوشی موبایلم را بررسی کردم متوجه شدم اثری از شماره تلفن امیر و پیامک‌های او نیست، با این شکایت وی به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان آزار و اذیت وی را تایید کردند. در حالی که تلاش پلیس برای ردیابی پسر شیطان صفت و دوستش آغاز شده بود دومین شکایت مشابه به پلیس رسید. دومین شاکی نیز پس از نخستین قرار ملاقات پس از آشنایی در اینستاگرام با نوشیدن آمیوه مسموم در دام شیطان افتاده و مورد آزار قرار گرفته بود و پسران شیطان صفت شماره تلفن خود را از گوشی وی پاک کرده بودند.

در حالی که شماره شکایت‌ها به ۷ فقره رسیده بود مأموران پلیس پسر جوانی به نام رضا را در غرب تهران شناسایی و بازداشت کردند و پلیس در مخفیگاه او تعدادی سیم کارت و گوشی موبایل به دست آورد. دوست وی به نام امیر نیز ردیابی و بازداشت شد و هفت شاکی در مواجهه حضوری آنها را شناسایی کردند و پرده از جنایت‌های سیاه شان برداشتند. پزشکی قانونی نیز آزار و اذیت قربانی را تایید کرد.

دو پسر شیطان صفت دیروز برای نخستین جلسه تحقیق در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران حاضر شدند.

**در ابتدای جلسه ۷ شاکی به تشریح ماجرا پرداختند.**

**ادعای جدید قاتل دختر فراری؛**

## همه دختران عاشق من بودند من قاتل نیستم!



**گروه حوادث - قاتل دختر فراری در تهران دستگیر شد.** قاتل دختر فراری در حالی گرفتار قانون شد که تصورش را نمی‌کرد شنب به خانه و حجت بازگردد. در خانه قاتل دختر فراری ۲ دختر دیگر زندانی بودند. قاتل دختر فراری پس از بازداشت اعتراف کرد و هم زمان با او برادر و خواهرش نیز به دام افتادند. قاتل دختر فراری هیچگاه فکر نمی‌کرد در متجالی که خودش ساخته بود دست و پا بزند.

سعید نام متهمی است که این روزها در اختیار جانشین جنجال زیادی به پا کرده است. ۱۵ آذر ماه امسال رسیدگی به پرونده اتهامی سعید با کشف جسدی در خانه اش واقع در ابو سعید تهران در دستور کار محمد و هادی بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران قرار گرفت و این در حالی بود که در همان زن دو دختر حبس شده در خانه سعید پیدا شدند که یکی از آنها در کمد دیواری و دیگری در اتاق خواب خانه محبوس شده بود. در حالی که سعید در تمام طول روند رسیدگی به پرونده و در جلسات بازجویی منکر قتل دختر جوان شده، اما خواهر جوان سعید که ساکن خانه او بود اعتراف کرده که سعید دختر جوان را به قتل رساند.

در آخرین بازجویی به عمل آمده از سعید او ادعای عجیبی مطرح کرد و گفت: «منم دانم چرا خواهرم من را به عنوان قاتل معرفی کرده است. خواهرم عاشق مردی بود که از مدتی قبل با هم در ارتباط بودند. اما من با ازدواج آنها مخالف بودم. وقتی بازداشت شدیم خواهرم من را به عنوان قاتل معرفی کرد تا انتقام هم بر هم خوردن رابطه خود با معشوقه اش را از من بگیرد چون همیشه من را مقصر می‌دانست.»

سعید که تحت عنوان مأمور قلبی دختران جوان فراری را به خانه اش می‌کشاند و به آنها وعده تامین سرپناه می‌داد اما اقدام

به حبس غیرقانونی آنها می‌کرد؛ در این جلسه رسیدگی هم ادعاهای قبلی خود را در مورد قتل بیان کرد: «دخترها عاشق من بودند و با رضایت خود در خانه من می‌ماندند. آنها به خاطر حسادت زنانه با هم درگیری داشتند و همیشه به خاطر رابطه با من با همدیگر دعوایشان می‌شد. قتل یکی از آنها هم به دست ۲ دختر دیگر رخ داد و من نقشی در قتل نداشتم.»

بازپرس با احتمال اینکه سعید دختران دیگری را هم حبس کرده و مورد آزار قرار داده باشد پیش از این دستور انتشار تصویر بدون پوشش او را صادر کرد. افرادی که از سعید شکایت دارند با در دست داشتن ادله کافی به پلیس مراجعه کنند و در نظر داشته باشند که اتهامی متوجه آنها نمی‌باشد.

یکی از آنها گفت: من برضاد فضای مجازی آشنا شدم، او در اینستاگرام برایم پیام فرستاد و به من ابراز علاقه کرد. او از من خواست تا به دیدنش بروم. او می‌گفت می‌تواند شغل مناسبی در فضای مجازی برایم پیدا کند. به همین خاطر با من قرار ملاقات گذاشت اما وقتی به مخفیگاه او در غرب تهران رفتم پودری را در آمیوه ریخت تا از من پذیرایی کند. اما به محض نوشیدن آمیوه بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم که او و دوستش امیر مرا آزار می‌دادند. من بر اثر نوشیدن آمیوه مشکوک که پزشکی قانونی اعلام کرده است حاوی هروئین بوده دچار التهاب مغزی شدم و هنوز بعد از گذشت چند ماه از آن ماجرا دارم می‌خورم و وضعیت مغز و روانم به هم ریخته است و از دو پسر شاکی هستم و برای آنها شد مجازات می‌خواهم.

دوم شاکی که زن جوانی به نام دریا بود گفت: من یک سال است ازدواج کرده‌ام و متاهل و ساکن شهرک غرب هستم. همسرم وضع مالی خوبی دارد من به دنبال کار خانگی می‌گشتم تا بتوانم فعالیت اجتماعی داشته باشم. من برای کار کردن نیاز مالی نداشتم که با امیر در اینستاگرام آشنا شدم و برای ملاقات کاری به دیدنش رفتم. اما او مرا با خوراندن آمیوه مسموم بیهوش کرد. وقتی به هوش آمدم او و دوستش گفتند حق ندارم از آنها شکایت کنم.

**وی که اشک میریخت گفت: این موضوع باعث شده است زندگی ام**

از هم بیاشد و شرایط روحی بدی دارم. وکیل وی گفت: بعد از این ماجرا وقتی دریا به خانه اش برگشته همسرش به ماجرای بی می‌برد و با پلیس تماس می‌گیرد. شوهرش به پلیس گفته بود دریا پس از خوراندن آمیوه مسموم حاوی ماده بیهوشی مورد آزار قرار گرفته است.

**پنج شاکی دیگر نیز به تشریح ماجرا پرداختند.** سپس رضا که دانشجوی رشته حقوق است در جایگاه ایستاد و اتهاماتش را پذیرفت.

**ادعای عجیب شیطان در دادگاه**

وی گفت: من به عنوان دیجی در مجالس و مهمانی‌ها کار می‌کنم و هیچ کدام از دختران جوان را نمی‌شناسم و با آنها هیچ ارتباطی نداشته‌ام. فقط با یکی از شاکی‌ها تلفنی چند بار صحبت کرده‌ام. آنها همگی از طریق اینستاگرام با هم دوست هستند و طبق نقشه چنین شکایتی را علیه من مطرح کرده‌اند تا از من اخاذی کنند.

پلیس می‌تواند برای اثبات ادعای من از طریق نقطه زنی بررسی کند که گوشی تلفن شاکی‌ها و من در یک نقطه آنتن دهی داشته باشد. وی ادامه داد: در خانه من مواد بیهوشی به دست نیامده و پلیس مواد بیهوشی را از خانه امیر پیدا کرده است.

**وقتی امیر روی قضاوت ایستاد اتهاماتش را پذیرفت و گفت: من**

## زن خائن همه چیزش را به رامین باخت!

**گروه حوادث -** برای آن که از شوهرم طلاق بگیرم فرزندم را در شهرستان رها کردم و برای یافتن شغل مناسب به مشهد آمدم اما گرفتار یک کلاهبردار حرفه‌ای شدم و همه سرمایه و طلاهایم را از دست دادم چرا که ...

زن ۲۹ ساله‌ای که برای اعلام شکایت از مدیر یک شرکت خصوصی وارد کلاتری آیکوه مشهد شده بود با بیان این که با یک تصمیم اشتباه زندگی ام را نابود کردم درباره ماجرای تاسف بار به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری گفت: ۱۰ سال قبل به اصرار خانواده ام مجبور شدم با پسرعموم ازدواج کنم چرا که آنها این ازدواج فامیلی را به نفع من می‌دانستند. این در حالی بود که من علاقه‌ای به «حسن» نداشتم.

با وجود این پای سفره عقد نشستم و یک سال بعد زندگی مشترکم را در شهرستان سرخس آغاز کردم و با آن که هیچ علاقه قلبی به همسر نداشتم ولی باز هم به خواست خانواده ام باردار شدم تا شاید وجود یک کودک به زندگی سرد گرمای خاصی ببخشد و من به این زندگی دل بندم، ولی با دنیا آمدن دخترم نیز از شدت اختلافات ما کاسته نشد و درگیری و نامازگاری‌های ما ادامه داشت تا این که ۷ ماه قبل تصمیم گرفتیم از «حسن» طلاق بگیریم و خودم فرزندم را بزرگ کنم ولی زمانی که موضوع را با مادرم در میان گذاشتم او وحشت زده و گریه کنان دستنشان را به سر و صورتش کوبید و فریاد زد: «می‌خواهی با گرفتن آبروبریزی راه بیندازی؟!» اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و بدون توجه به گریه‌های مادرم، همسر و فرزندم را رها کردم و با برداشتن طلاها و پس اندازم به مشهد آمدم.

بلافاصله سراغ یکی از دوستان دوران تحصیلم را گرفتم که می‌دانستم زندگی خوبی دارد. بعد از چند ساعت جست و جو بالاخره «ستاره» را پیدا کردم. او از دیدن من خیلی خوشحال شد و با روی باز به استقبال آمد.

همسر ستاره مهندس بود و در یک شرکت ساختمانی بزرگ کار می‌کرد. ماجرای زندگی ام را برای ستاره بازگو کردم و از او کمک خواستم. روز بعد با حمایت و سفارش همسر ستاره به عنوان منشی مدیر در همان شرکت مشغول به کار شدم. چند روز بعد مدیر شرکت که مرد جوانی بود از من خواست تا در یکی از اتاق‌های شرکت زندگی کنم تا اجازه منزل ندم. حالا دیگر محل کار و زندگی ام یکی شده بود و من از این که درآمد خوبی هم داشتم خیلی خوشحال بودم اما وقتی «رامین» (مدیر شرکت) در جریان اختلافات خانوادگی من قرار گرفت کمی نگران شد.

او می‌تسید به دلیل کمک به من دچار دردسر شود. به او التماس کردم و گفتم کسی از محل کار و سکونت من اطلاعی ندارد، از سوی دیگر من خودم مسئولیت هر اتفاقی را به عهده می‌گیرم



با اجبار و زور به زنان و دختران جوان تجاوز نکرده‌ام و هیچ اجباری در کار نبوده است. من اتهام تجاوز را قبول ندارم. من در اینستاگرام با آنها دوست بودم و آنها خودشان سر قرار می‌آمدند. با پایان جلسه تحقیق، قضات قرار بازداشت ۲ پسر را صادر کردند تا پس از تکمیل تحقیقات آنها در دادگاه محاکمه شوند.

**این در حالی است که شاکی‌های پرونده درخواست اشد مجازات را مطرح کرده‌اند.**



خلاصه ارتباط بین من و رامین آن قدر نزدیک و صمیمی شده بود که همه کارگران و کارمندان شرکت تصور می‌کردند من به عقد موقت او درآمده‌ام!

چند ماه به همین ترتیب سپری شد تا این که یک روز رامین به سراغم آمد و ادعا کرد دچار مشکل مالی شده و امکان دسترسی به سرمایه اش را نیز ندارد. من هم که در این مدت اعتماد زیادی به او داشتم همه طلاها و پس اندازم را به او دادم تا مشکلمش را حل کند. او نیز با قدردانی از این که حتی رسیدن مادری از او نگرفته ام مدعی شد به زودی پدھی اش را به من باز می‌گرداند.

مدتی بعد وقتی فهمیدم رامین در شرکت حضور ندارد، نگران شدم و مدام با او تماس می‌گرفتم ولی او تماس‌های تلفنی مرا بی پاسخ می‌گذاشت به ناچار نزد ستاره رفتم و ماجرا را برایش بازگو کردم.

او و همسرش در حالی که بسیار متعجب شده بودند به من گفتند که رامین شرکت را واگذار کرده و از کشور خارج شده است. با شنیدن این حرف‌ها اتاق دور سرم چرخید. سراسیمه و هراسان خودم را به کلاتری رساندم و آنجا متوجه شدم که او یک کلاهبردار حرفه‌ای بود و مالباختگان دیگری نیز از او شکایت کرده‌اند و ...

با صدور دستوری از سوی سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلاتری آیکوه) بررسی‌های تخصصی و اطلاعاتی برای ردیابی متهم به کلاهبرداری آغاز شد.

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

### خدمات

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی  
جزئی و کلی مجتمع‌های اداری  
مسکونی - خدماتی - تجاری  
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

### خشکشویی

**خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برج‌های طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸**  
با مدیریت عسکری

### مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۲۸۹۲  
به نام زهرا پرنده اخلمد مفقود گردیده  
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### استخدام

یک دکتر دارو ساز یا لیسانس شیمی جهت مسئول فنی یک تولیدی محصولات آرایشی بهداشتی نیازمندیم.  
شماره تماس ۰۹۱۲۴۰۱۹۲۶۳

### تاسیسات ساختمانی کریمی

۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

### مشاور املاک

### رستوران

### عطاری

### خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه‌های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

### مشاور املاک آنلاین خرید، فروش، رهن، اجاره و مشاوره در ساخت

۰۷۶۴۴۴۲۴۴۸۰ و ۰۹۳۴۷۶۹۴۴۲۱

### عطاری عین الشفا با سوغات همدان، انواع عرقجات، داروهای گیاهی، گردو با پوست و مغز گردو توپسیرکان، بادام درختی با پوست و مغز بادام، شیره انگور ملایر، ارده بروجرد و ...

آدرس: پارس خلیج فارس، کوچه بابونه  
شماره تماس ها ۰۹۱۸۸۱۵۵۹۰۳  
۰۹۳۷۸۹۸۰۶۶۶ جنتی عطایی

### صنایع چوب

### حمل بار

### کترینگ بیرون بر شاندریز

منو متفاوت، کیفیت عالی بهشت شاندریز  
۰۹۰۲۰۰۹۸۰۲۴

### شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود.....شو روم: بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

### حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره

۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

### رستوران اکبر جوجه اصل گلوگاه در نزدیکی شماسطع نوستالژی و کیفیت عالی تخفیف ویژه برای کیشوندان عزیز پیک رایگان ۰۹۱۱۴۸۸۰۰۲۰

۴۴۴۲۴۹۶۹ ۴۴۴۲۴۹۹۹ **پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش** **اقتصاد کیش** **گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش** روزنامه